

بررسی و بازیابی کتاب مفقود «الخصائص العلویة» نطنزی

دکتر محمدعلی چلونگر*

دکتر سید اصغر محمودآبادی**

منصور داداش نژاد***

چکیده

یکی از آثار مفقود اهل سنت در زمینه زندگانی ائمه - که منابع شیعی از آن استفاده کرده‌اند - کتاب *الخصائص العلویة* نطنزی، دانشمند سنی قرن ششم هجری است. این کتاب هر چند اینک باقی نمانده، اما معاصران نطنزی، مانند ابن شهر آشوب، از آن بهره برده‌اند. معرفی این نویسنده کمتر شناخته شده و بررسی جایگاه نوشته وی در منابع بعدی و بیان دیدگاه‌های نویسنده آن - که نزدیک به دیدگاه‌های شیعی است - در این نوشته پی‌گیری شده است. کلید واژه‌ها: نطنزی، الخصائص العلویة، فضایل‌نگاری، امام علی، منابع شیعی.

درآمد

نویسندگان اهل سنت در زمینه زندگانی ائمه، بویژه زندگانی امام علی و مناقب و فضایل آن حضرت کتاب‌های بسیاری تدوین کرده‌اند. اندکی از این کتاب‌ها برخوردار از دیدگاه تاریخی است، اما بیشتر آنها به منظور فضایل‌نگاری تدوین شده است. فضایل طرح شده در این کتاب‌ها همان فضایی است که شیعیان نیز در کتاب‌های خود، آنها را نقل کرده‌اند؛ با این تفاوت که در منابع اهل سنت، فضایل امام علی با فضایل دیگر صحابه به هم آمیخته است و فضایل مشابهی برای آنها نقل می‌شود. یکی از نکات اصلی در کتاب‌های فضایل‌نگاری اهل سنت پایبندی ایشان به حفظ موقعیت صحابه رسول خداست. ایشان برای صحابه ترتیب و مراتبی قایل هستند که چهار خلیفه اول و پس از آن، عشره مبشره برترین موقعیت را می‌یابند. در این دیدگاه و در ترتیبی که از سوی ایشان مراعات می‌شود، امام علی در رتبه چهارم قرار می‌گیرد. محدثان و مورخان، با این گرایش، ترتیب افضلیت خلفا را به همان منوال برگزیده‌شدنشان به خلافت می‌دانند. ترتیب مورد نظر ایشان چنین است: ابوبکر، عمر، عثمان و بعد امام علی. این گروه در کتاب‌های حدیثی خود، احادیث امام علی را پس از سه خلیفه نخست می‌آورند و در کتاب‌های تاریخی نیز حوادث و رخداد‌های دوران امام علی و ائمه بعدی، پس از بیان رخداد‌های عصر

* استادیار دانشگاه اصفهان.

** دانشیار دانشگاه اصفهان.

*** دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه اصفهان.

خلفای نخست است. نکته دیگری که مورخان و فضایل‌نگاران اهل سنت بدان توجه تمام دارند، مربوط به مناسبات میان صحابه است. محدثان و مورخان اهل سنت تلاش بسیار می‌کنند تا چنین وانمود کنند، میان صحابه، بویژه چهار خلیفه اول، اختلافات جدی وجود نداشته و برگزیده شدن ایشان به خلافت، بدون هیچ درگیری و اختلافی بوده است. در این دیدگاه، جمع میان صحابه بزرگ از جمله واجبات است و در نقل فضایل، از زبان امام علی، خلفای نخست، بویژه ابوبکر و عمر تمجید می‌شوند؛ چنان که صحابه بزرگ، مانند ابوبکر، عمر و عایشه از جمله ناقلان روایات فضایل امام علی هستند و برخی از روایات مربوط به فضایل امام علی از ایشان نقل می‌شود. با عنایت به این دو نکته، بر اساس موارد باقیمانده از نطنزی می‌توان به مذهب وی - که جانبداری از کل صحابه است - پی برد.

شرح حال نطنزی

زندگی

شرح حال نطنزی را خوشبختانه دو تن از معاصران وی نوشته‌اند.¹ سمعانی (م 562ق) در کتاب *الانساب* در عنوان نطنزی² و عماد اصفهانی (م 597ق) در *خریده القصر*، بخش شعرای اصفهان، برای وی شرح حالی نوشته‌اند.³ شرح حالی که ابن نجار (578-643ق)، برای وی در *ذیل تاریخ بغداد* نوشته و ابن طاووس (م 664ق) در کتاب *الیقین*، چندین بار از آن نقل می‌کند، متأسفانه در دست نیست. در نام پدر، اجداد و کنیه وی اختلافاتی است.⁴ حموی (م 722ق)، نویسنده *فراند السمطین* نام او را کامل‌تر از دیگران چنین ثبت کرده است:

الإمام حاکم الدین أبو عبد الله محمد بن أحمد بن علی بن أحمد بن محمد ابن إبراهیم النطنزی مصنف کتاب الخصائص العلویة علی سائر البریة، و المآثر العلویة لسید الذریة.⁵

آقا بزرگ در بررسی نام‌های ثبت شده برای نطنزی، معتقد است این نام‌ها برای یک نفر است؛ زیرا نطنزی گاه، به جد منسوب شده و نام پدرش احمد از نسب او حذف شده است؛ چنان که بعید نمی‌داند یک فرد، دارای دو کنیه باشد. بنا بر این، نطنزی می‌توانسته دو کنیه ابو الفتح و ابو عبد الله داشته باشد. البته به این نکته باید توجه داشت که کنیه جد نطنزی، ابو عبد الله بوده و محتمل است، به اشتباه، کنیه وی برای نواده‌اش ثبت شده باشد. خاستگاه وی شهر نطنز، از جمله شهرهای اصفهان و در بیست فرسخی آن بود. بدین جهت، به «نطنزی» شهرت داشت. القاب او نیز، شمس الدین، ذو البراعتین، تاج

1. برای اطلاع از شرح حال وی، ر.ک: *انساب سمعانی*، ج 5، ص 505؛ *خریده القصر*، ج 7، ص 283؛ *الوافی بالوفیات*، ج 4، ص 161؛ *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، ج 7، ص 170.

2. *انساب سمعانی*، ج 5، ص 505.

3. *خریده القصر*، ج 7، ص 283.

4. سمعانی نام وی را «محمد بن علی بن ابراهیم نطنزی» و عماد اصفهانی «محمد بن علی بن محمد نطنزی» نوشته و کنیه وی را ابو الفتح ثبت کرده‌اند. ابن شهر آشوب (م 588ق)، در *المناقب* - که بیشترین روایت را از نطنزی نقل کرده - نام و کنیه او را «ابو عبد الله محمد بن احمد نطنزی» نوشته است. ابن طاووس، همچون سمعانی و عماد کاتب او را «ابو الفتح محمد بن علی کاتب اصفهانی نطنزی» دانسته است.

5. *فراند السمطین*، ج 1، ص 374.

اصفهان،⁶ کاتب و قاضی بود. جد وی حسین بن ابراهیم نطنزی - که ادیب برجسته‌ای بود - در کوی آذرویه جوباره شهر اصفهان سکونت داشت و به زبان عربی و فارسی شعر می‌سرود و به ذواللسانین (= ذو البیانین) مشهور بود.⁷ او در سال 497ق، درگذشت.⁸ محمد بن علی نطنزی، نواده او - که مورد بحث ماست - به «سبط الادیب» و «سبط النطنزی» شناخته می‌شد که با توجه به اختلاف در نام اجداد نطنزی و نبودن نام حسین در اجداد پدری وی، او را می‌توان نواده دختری ذواللسانین دانست.

نطنزی ادیب برجسته‌ای بود که بر نظم و نثر تسلط داشت. سمعانی او را آگاهترین فرد به لغت، ادب و شعر در خراسان و عراق می‌داند. عماد اصفهانی نیز او را بلند مرتبه، مشهور، برتر از فضلالی عصر خویش - که به جهت فضلش به سلاطین نزدیک شد - معرفی می‌کند.⁹ ابن نجار او را یکتای روزگار و برترین دانشمند عصر خویش توصیف می‌کند.¹⁰

وی پر سفر بود و به شهرهای بسیاری مسافرت کرد و با بزرگان زیادی دیدار کرد. او در اصفهان و خراسان و بغداد روایت شنید و به شهرهایی مانند، همدان، مرو و غزنه رفت. نطنزی در زادگاه خویش اصفهان، از دانشمندانی چون ابو سعید مطرز، ابو علی حداد و غانم بن ابی نصر برجی استفاده کرد و در بغداد از ابوالقاسم رزاز، ابو علی بن نبهان کاتب و هم طبقه‌ای‌های ایشان بهره برد.¹¹ از اساتید مشهور وی در زمینه ادب می‌توان محمد بن احمد ابیوردی (م 507ق) را نام برد؛¹² چنان که نطنزی از جمله راویان شعر ابو اسماعیل ذولی طغرای (م 518ق)، وزیر سلطان مسعود بن محمد بود.¹³ صدقی معتقد است با وجود این که نطنزی از عده زیادی در شهرهای مختلف روایت شنید، اما بهره کافی از روایت نبرد¹⁴ و روایات گردآمده توسط وی، رواج درخور توجهی نیافت.

دو تن از شاگردان نطنزی را - که مطالب ادبی از وی نقل کرده‌اند - باید سمعانی و عماد کاتب دانست. سمعانی، علاوه بر استفاده ادبی از نطنزی، در مرو اجزائی از حدیث را نیز از وی شنیده است. عماد کاتب نیز بیشتر اشعار ابیوردی (م 507ق) را از نطنزی شنیده و در *خریفة القصر* تعدادی از سروده‌های وی را گرد آورده است.¹⁵ ذهبی دو تن از شاگردان وی را - که از او کتابت کرده‌اند - ابو سعد سمعانی و مبارک بن کامل می‌شمرد.¹⁶

نطنزی با بزرگان و صاحب منصبان مراوده داشت و نزد ایشان از اعتبار برخوردار بود.¹⁷ او قصیده‌ای در 160 بیت در مدح معین الدین وزیر سلطان سنجر سرود. در بغداد چون به ابو سعد بغدادی، مقدار ده درهم پول قرض داد، به خدمت سلطان مسعود بن محمد

6. *خریفة القصر*، ج 7، ص 283.

7. *أنساب سمعانی*، ج 3، ص 14 مدخل ذوالبیانین.

8. همان، ج 5، ص 505.

9. *خریفة القصر*، ج 7، ص 284.

10. *الیقین*، ص 469.

11. *أنساب سمعانی*، ج 5، ص 506.

12. *معجم الادباء*، ج 5، ص 2665.

13. *بغیة الطلب*، ج 6، ص 2683 و 2691.

14. *الواقی بالوقایات*، ج 4، ص 162.

15. *خریفة القصر*، ج 7، ص 293-284.

16. *تاریخ الاسلام*، ج 39، ص 107.

17. *تذکرة الحفاظ*، ج 4، ص 1285.

رسید و موضوع را به وی بازگفت. سلطان نیز پانصد دینار به نطنزی داد تا به ابو سعد دهد؛ هر چند ابو سعد این مبلغ را نپذیرفت.^{۱۸}

نطنزی همچنین در اصفهان موقعیت ویژه‌ای داشت و با صرف هزینه هنگفتی به تأسیس کتابخانه بزرگی در این شهر اهتمام کرد. عماد کاتب - که در سال 549ق، و چند سال پیش از مرگ نطنزی او را در اصفهان دیده - وی را دارای شوکت و برتر از همردیفان خود یافته است. ابن شهر آشوب، پس از نام وی، واژه «قاضی» را آورده^{۱۹} و حموی نام او را با واژه «حاکم الدین» همراه کرده است.^{۲۰} که نشان می‌دهد وی عهده‌دار منصب قضاوت نیز بوده است.

ولادت وی در سال 480ق، به بعد در اصفهان بود^{۲۱} و درگذشتش، به نوشته ذهبی، محرم سال 561ق، ثبت شده است.^{۲۲} صفدی مرگ او را حدوداً در سال 550ق، نوشته است.^{۲۳} یاقوت حموی مرگ او را سال 490ق، دانسته،^{۲۴} که صحیح نیست و با مرگ جد وی - که در آن تاریخ درگذشته - اشتباه شده است. اسماعیل پاشا نیز در *ایضاح المکنون*، به اشتباه، مرگ وی را سال 804ق، نوشته^{۲۵} که صحیح نیست و روشن نیست اطلاعات چه کسی را با وی آمیخته است.

مذهب

سمعانی در شرح حال جد وی تصریح می‌کند که وی از اهل سنت و جماعت و دوستدار ایشان بوده است،^{۲۶} اما در باره مذهب خود نطنزی، گزارشی ارائه نمی‌دهد. البته اگر در این زمینه تغایری بود، باید ذکر می‌شد. ابن شهر آشوب در *معالم العلماء* او را «عامی» مذهب توصیف کرده است.^{۲۷} ابن طاووس نیز وی را از نیکوترین علمای اهل سنت و از جمله راویان احادیث ایشان معرفی کرده است.^{۲۸}

علامه حلی در قسم دوم خلاصه *الأقوال* (قسم ضعیف)، از نطنزی یاد کرده و او را عامی مذهب نوشته است.^{۲۹} به همین منوال، ابن داود نیز او را عامی مذهب دانسته است.^{۳۰} آقا بزرگ از این که نطنزی روایات مربوط به «امیر المؤمنین» بودن امام علی را نقل کرده و اشکالی بر آنها وارد نکرده، از حسن عقیده مؤلف خبر داده و معتقد است که وی عامی نبوده و کسانی چون سید بن طاووس - که وی را عامی دانسته‌اند - بر اساس ظاهر حال وی قضاوت کرده‌اند؛ زیرا که او خود را از عامه معرفی می‌نموده و روایات ایشان

18. سیر أعلام النبلاء، ج 20، ص 122.

19. المناقب، ج 3، ص 318، 395.

20. فرائد السمطين، ج 1، ص 41 و 238.

21. أنساب سماعی، ج 5، ص 506.

22. تاریخ الاسلام، ج 39، ص 107.

23. الوافی بالوفیات، ج 4، ص 162.

24. معجم البلدان، ج 5، ص 292.

25. ایضاح المکنون، ج 1، ص 430.

26. أنساب سماعی، ج 5، ص 505.

27. معالم العلماء، ص 119.

28. الیقین، ص 469.

29. خلاصه الأقوال، ص 405.

30. رجال ابن داود، ص 269.

را نقل می‌کرده است و حال، آن که در باطن چنین نبوده است. وی معتقد است که نظر ابن شهر آشوب و علامه حلی در عامی دانستن نطنزی، تنها ناظر به نشست و برخاست وی با عامه بوده، نه این که وی از اهل سنت بوده و پیرو ائمه اربعه ایشان باشد. آقا بزرگ، بر اساس یک قاعده کلی، معتقد است در مواردی که کتب رجالی شیعه بر کسی اطلاق عامی می‌کنند، به معنای این است که وی به لحاظ مشرب، عامی بوده، نه به لحاظ عقیده و مذهب. البته این حدس او صحیح نیست؛ زیرا با بررسی روایات برجای مانده از نطنزی می‌توان رگه‌هایی از گرایش وی به اهل سنت را در او یافت؛ ضمن آن که خاستگاه نطنزی شهر اصفهان است که در آن ایام به لحاظ مذهبی گرایش به تسنن داشته است.

الخصائص العلویة

نام کتاب نطنزی «الخصائص العلویة علی سایر البریة و المآثر العلیة لسید الذریة» ثبت شده است. نویسندگان سنی، مانند سمعانی، عماد کاتب، صفدی و ذهبی - که شرح حال وی را نوشته‌اند - از این کتاب وی یاد نکرده‌اند؛ چنان که کتاب دیگری نیز برای وی بر نشرده‌اند. در میان معاصران وی تنها ابن شهر آشوب، عنوان کتاب وی را چنین نوشته است: «کتاب الخصائص العلویة علی سایر البریة و المآثر العلیة لسید الذریة».³¹ که به ظاهر نشان می‌دهد نام دو کتاب وی است، اما چنین نیست و واژه کتاب، پیش از المآثر العلویة، اضافی است. ابن طاووس در الیقین و حموی در فرائد السمطین و دیگر نویسندگان شیعی، مانند اربلی در کشف الغمّة بارها نام کامل کتاب وی را به صورت کامل یا خلاصه شده یاد کرده‌اند. با توجه به موارد نقل شده از این کتاب، محتوای آن را می‌توان علاوه بر مناقب امام علی، روایاتی در مناقب اهل بیت، حسنین و امام جعفر صادق دانست.

از معاصران نطنزی، فقیه «قوام الدین محمد بن علی بن عبد العزیز رازی اهرکینی» کتاب الخصائص العلویة را در سال 560ق، - که یک سال پیش از وفات مؤلف است - استماع کرده است؛³² چنان که بر اساس اجازه علامه حلی به بنی زهره، وی اجازه روایت خصائص نطنزی را بدین طریق داشته است:

عن السید صفی الدین محمد بن معد، عن الشیخ نصیر الدین راشد بن ابراهیم بحرانی، عن السید فضل الله بن علی بن عبید الله الحسینی، عن مصنفها (الخصائص العلویة) ابی عبد الله محمد بن احمد الحافظ النطنزی.³³

محتوای روایات و موارد برجای مانده

کتاب الخصائص العلویة نطنزی در قامت اصلی خویش باقی نمانده و اینک موجود نیست،³⁴ اما در مجموع، 111 روایت از نطنزی در منابع بعدی نقل شده است

31. معالم العلماء، ص 119.

32. مجمع الآداب، ج 3، ص 531؛ اهل البيت فی المكتبة العربیة، ص 143.

33. بحار الأنوار، ج 104، ص 132.

34. سامی الغریبی مصحح کتاب الفصول المهمة ابن صباغ، به اشتباه، این کتاب را از جمله کتاب‌های منتشر شده به وسیله دار الفکر بیروت در سال 1408ق، نوشته که چنین مطلبی صحیح نیست.

(پیوست شماره یک). نویسندگانی که کتاب *الخصائص العلویة* را در اختیار داشته و از آن مواردی را نقل کرده‌اند، به شرح زیر عبارت‌اند از:

1. ابن شهر آشوب (م 588ق)، دانشمند شیعی - که معاصر وی بوده -، اولین فردی است که از کتاب *خصائص نطنزی* یاد کرده و از آن بهره برده است. ابن شهر آشوب در ابتدای کتاب *المناقب* - که منابع خویش را بر می‌شمرد - می‌نویسد که به صورت مناوله³⁵ کتاب *خصائص العلویة* را در اختیار داشته است³⁶ و در کتاب *المناقب*، در مجموع، پنجاه مورد از نطنزی و معمولاً با یاد از عنوان کتاب *الخصائص*، از آن روایت نقل روایت می‌کند.

از مجموع پنجاه روایتی که ابن شهر آشوب از کتاب *الخصائص العلویة* نقل کرده، 44 روایت در مناقب امام علی و شش مورد نیز در مناقب و فضایل حسنین است. موضوع احادیث نقل شده، بیان مناقب و فضایل است و به مسائل تاریخی کمتر پرداخته است. در روایتی - که ابن شهر آشوب از کتاب نطنزی برگزیده - هیچ روایتی که در بر دارنده فضایی از دیگر صحابه بویژه سه خلیفه اول باشد، موجود نیست، بلکه برخی روایات، حاوی بیان ضعف‌هایی در ایشان است. برخی از روایات نطنزی در *المناقب* ابن شهر آشوب چنین است:

بنا بر روایتی، صحابه از جمله عمر در جنگ احد از کارزار فرار می‌کنند و بعد از این که امام علی را در جنگ رها کرده‌اند، از او پوزش می‌خواهند.³⁷ همچنین، در جنگ خیبر، ابتدا ابوبکر و عمر به پیکار می‌روند، اما موفق به پیروزی نمی‌شوند و رسول خدا از رفتار ایشان ناخشنود می‌شود تا این که امام علی را برای جنگ فرستاده و کامیاب می‌شود.³⁸ در مورد دیگر، عمر در حق امام علی جفا می‌کند و رسول خدا در برابر او می‌گوید که اذیت امام علی به منزله اذیت پیامبر است.³⁹

علاوه بر این که نطنزی روایاتی را که در بردارنده نقاط ضعفی در صحابه است، بیان نموده، برخی موارد نقل شده از نطنزی با مبانی اهل سنت سازگار نیست و از جمله عقاید گروهی از شیعیان به شمار می‌رود؛ مانند وجود نام امام علی در دیوان انبیایی که به آنان وحی نمی‌شده؛⁴⁰ اکمال دین با ولایت امام علی؛⁴¹ سؤال از ولایت امام علی پس از مرگ و شراکت ابلیس در تولد کسانی که با امام علی سر دشمنی داشته‌اند.⁴²

نطنزی همچنین، مواردی از کرامات و معجزات امام علی را نقل می‌کند که مطابق عقاید شیعیان است. یکی از روایاتی که ابن شهر آشوب نقل کرده، چنین است که امام علی در راه صفین، برای تأمین آب لشکر، سنگی را که صد نفر نمی‌توانستند حرکت دهند، به تنهایی جابجا می‌کند و با دعای وی چاه آبی ظاهر می‌شود. چاه ظاهر شده، چاهی است که سیصد تن از انبیاء و سیزده تن از اوصیاء از آب آن نوشیده‌اند. راهبی که در آن مکان بوده، با دیدن این موارد به امام علی گرویده و در

35. مناوله چنین است که استاد، کتاب خویش و یا کتاب فرد دیگری را در اختیار شاگرد قرار دهد.

36. *المناقب*، ج 1، ص 11.

37. همان، ج 2، ص 117.

38. همان، ج 3، ص 127.

39. همان، ج 3، ص 311.

40. همان، ج 3، ص 265.

41. همان، ج 3، ص 23.

42. همان، ج 2، ص 249.

ص ه
شهادت می‌رسد.^{۴۳}

نطنزی در باره مناقب امام علی همان مناقبی را نقل می‌کند که شیعیان در باره آن حضرت نقل می‌کنند. بنا بر روایات نطنزی، امام علی اولین مسلمان است؛ حب او، عنوان صحیفه مؤمن است؛ چندین آیه، به مناسبت، در باره امام علی نازل می‌شود، از جمله در حال رکوع صدقه می‌دهد و به خاطر آن، آیه‌ای نازل می‌گردد؛ خورشید برای وی باز می‌گردد.^{۴۴}

نطنزی در باره امام حسن و امام حسین نیز کرامتی چنین نقل می‌کند که ایشان چون شب هنگام از نزد رسول خدا می‌خواهند به نزد مادر خویش روند، نوری مسیر حرکت ایشان را روشن می‌کند تا به مقصد برسند؛^{۴۵} چنان که داستان سخن گفتن و راز و نیاز راهب نصارا با سر بریده امام حسین را در گزارشی بلند نقل می‌کند که سرانجام آن، پذیرفتن اسلام از سوی راهب است.^{۴۶}

ابن شهر آشوب همچنین، در کتاب دیگرش، با عنوان *متشابه القرآن و مختلفه*، سه روایت از نطنزی نقل کرده است. این سه روایت، یکی، انتخاب امام علی از سوی رسول خدا برای شکستن بت‌ها در مکه است.^{۴۷} روایت دوم، به کار بردن واژه «سید» توسط رسول خدا برای امام علی است.^{۴۸} و روایت سوم، در باره این است که رسول خدا دعا کرد که گوش امام علی، گوش گیرا (اذن واعیه) باشد.^{۴۹}

موارد نقل شده از نطنزی - که توسط دانشمند شیعی ابن شهر آشوب گزینش شده و در کتاب‌های *المناقب و متشابه القرآن* آمده، هیچ کدام، نمی‌تواند بیانگر وابستگی وی به اهل سنت باشد، بلکه نشان‌گر آن است که نطنزی شیعه بوده است.

2. نویسنده دیگری که بعد از ابن شهر آشوب قرار داشته و تنها یک روایت از نطنزی در کتاب خویش نقل کرده است، محمد بن حسین رازی (م 658ق)، دانشمند شیعی در *نزهة الکرام* است. روایت نقل شده، نه در کتاب *المناقب* ابن شهر آشوب یافت می‌شود و نه در کتاب‌های ابن طاووس، که رازی هم‌عصر با او بوده و احتمال استفاده از کتاب‌های وی، برای او وجود داشته است. بنا بر خبر یاد شده در *نزهة الکرام* - که خبری بلند و شیعی است - رسول خدا چون به معراج می‌رود و درهای هشت‌گانه بهشت را به وی نشان می‌دهند، می‌بیند که بر بالای هر در چنین نوشته شده بود: محمد رسول الله، علی ولی الله.^{۵۰} کتاب *نزهة الکرام* به زبان فارسی تدوین شده و چنین به نظر می‌رسد که رازی روایت نقل شده را، به صورت مستقیم، از *خصائص نطنزی* نقل کرده است. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که *خصائص نطنزی* پس از تألیف، رواج درخور

43. همان، ج 2، ص 292.

44. همان، ج 2، ص 236.

45. همان، ج 3، ص 390.

46. همان، ج 4، ص 60.

47. *متشابه القرآن و مختلفه*، ص 39.

48. همان، ص 41.

49. همان، ص 42.

50. *نزهة الکرام*، ج 2، ص 521.

توجه یافته و به شهرت کامل رسیده است؛ به گونه‌ای که در میان نویسندگان فارسی زبان نیز شناخته شده بوده است.

3. دانشمند بعدی شیعه، ابن طاووس، نیز در کتاب *الیقین* روایاتی از این کتاب نقل کرده است. ابن طاووس در آثار خویش، در مجموع، ده روایت از این کتاب نقل کرده است که نه روایت آن در کتاب *الیقین* و یک روایت دیگر در کتاب *مهج الدعوات* است. تفاوت ابن طاووس با ابن شهر آشوب در نقل روایات نطنزی این است که ابن طاووس روایات نطنزی را با اسناد کامل نقل می‌کند، اما ابن شهر آشوب معمولاً اسناد را به صورت کامل ذکر نمی‌کند و محتوا را نیز تلخیص و گزیده نقل می‌کند. همچنین، بیشتر روایات نقل شده توسط ابن طاووس بر جنبه‌های اعجازی زندگانی امام علی تأکید کرده و با ابن شهر آشوب از این جهت متفاوت به نظر می‌رسد.

روایات گزینش شده توسط ابن طاووس - که به تناسب موضوع کتاب «*الیقین باختصاص مولانا علی پامره المؤمنین*» انتخاب شده - روایاتی در مناقب امام علی است که جهت‌گیری برخی از این روایات، کاملاً شیعی است. این موارد چنین است: روایت دیدار آدم با پنج تن و توسل به ایشان برای بخشش گناه خویش؛⁵¹ روایتی در موضوع اسرا - که رسول خدا در اسرا قصر مجلی را می‌بیند که برای امام علی است و به آن حضرت ابلاغ می‌شود که علی \square سرور مسلمانان، امام متقین و پیشوای روسفیدان است؛⁵² بنا بر روایتی دیگر، رسول خدا امام علی را به عنوان وصی و جانشین خویش بر امت برای پس از خود معرفی می‌کند⁵³ که روایتی کاملاً شیعی است.

ابن طاووس در *مهج الدعوات* روایتی را از کتاب *خصائص نطنزی* نقل می‌کند که بر اساس آن، منصور تصمیم به قتل امام جعفر صادق و امام کاظم \square می‌گیرد و مأمورانی را به این منظور به مدینه می‌فرستد. مأموران به خانه امام می‌روند. آن حضرت دعایی می‌خواند و مأموران، به گمان خود، سر آن دو را جدا کرده و در کیسه‌ای گذاشته، نزد منصور می‌برند و منصور چون کیسه را می‌گشاید، مشاهده می‌کند که سر دو شتر در آن است. روشن می‌شود که آن دو حیوان برای رفع بلا از امام و فرزندش، به صورت ایشان درآمده‌اند.⁵⁴

4. نویسنده دیگری که از *خصائص نطنزی* مواردی را نقل کرده، جمال الدین یوسف بن حاتم شامی (م قرن 7)، نویسنده شیعی کتاب *الدر النظیم* است. وی در مجموع، یازده روایت از *خصائص نطنزی* نقل کرده است. ویژگی روایات نقل شده توسط شامی این است که معمولاً بخشی از اسناد روایات را حذف کرده و خود نیز بدان تصریح کرده است. شامی کتاب نطنزی را در اختیار داشته و مستقیم از آن نقل می‌کند. وی هنگامی که مناشده امام علی در شوری - که شامل فضایل بسیاری برای امام است - گزارش می‌کند، پس از آن می‌گوید که نطنزی برای هر یک از مناقب یاد شده در آن مناشده، در کتاب *خصائص* حدیثی آورده که شامی به جهت پرهیز از طولانی شدن، از نقل آنها خودداری کرده

51. *الیقین*، ص 174.

52. همان، ص 469.

53. همان، ص 494.

54. *مهج الدعوات*، ص 214.

است.⁵⁵ برخی از موارد برجای مانده از نطنزی، بار اول، در کتاب *الدر النظیم* آمده است که این موضوع نشان می‌دهد، وی کتاب *خصائص* را در اختیار داشته و مستقیم از آن نقل کرده است. موضوع پنج روایت از روایات برگزیده از نطنزی - که در این کتاب آمده - در مناقب امام علی، یک روایت در باره حسنین، سه روایت در باره امام حسین، دو روایت در باره امام صادق و یک روایت نیز در باره پنج تن است. روایات یاد شده در این کتاب، روایات مورد قبول شیعیان است و هیچ‌گونه تأییدی در باره بزرگان اهل سنت در آن یافت نمی‌شود. داستان انتقال سر امام حسین به شام و ظهور کرامات از سر مقدس - که نطنزی آن را در گزارشی بلند نقل کرده است - دارای اشتباه فاحشی است و آن این که، متولی بردن سر به شام عمر بن سعد ذکر می‌شود که در جای جای داستان نیز حضور دارد⁵⁶ و حال، آن که، بر اساس گزارش‌های تاریخی، چنین مطلبی صحیح نیست و عمر بن سعد، مسؤول بردن سر امام حسین به شام نبوده است. همچنین، داستان احضار امام جعفر صادق توسط منصور و رها شدن آن حضرت از دست وی با خواندن دعایی،⁵⁷ بار اول به نقل از نطنزی در *الدر النظیم* آمده است.

5. نویسنده دیگری که *خصائص* نطنزی را در اختیار داشته و شش روایت از آن نقل کرده است، علی بن عیسی اربلی (م 692ق)، در *کشف الغمّة* است. روایات نقل شده نشان از آن دارد که اربلی کتاب را در اختیار داشته است. در یک مورد گزارشی را نقل می‌کند و می‌نویسد، تکمیل گزارش در *خصائص* بدین گونه آمده است.⁵⁸ شش روایت نقل شده در *کشف الغمّة* - که همه نزدیک به هم و چهار روایت آن، پشت سر هم است - در موضوع مناقب امام علی است و سه روایت آن در موضوع پیشگامی آن حضرت در پذیرش اسلام است. با این که اربلی از برخی منابع اهل سنت، مانند *المناقب* خوارزمی به صورت گسترده استفاده کرده، معلوم نیست چرا از کتاب *خصائص* نطنزی چنین بهره‌ای نبرده است و حال، آن که وی در این کتاب بنا داشته از نوشته‌ها و منابع اهل سنت در زمینه تدوین تاریخ و فضایل ائمه استفاده کند.

6. ششمین فردی که *خصائص* نطنزی را در اختیار داشته و به صورت گسترده از این کتاب نقل کرده، صدر الدین ابراهیم بن شیخ سعد الدین محمد بن موید حموی (م 722ق)، عالم شافعی مذهب و محب اهل بیت، در *فرائد السمطین* است. وی این کتاب را از مشایخ خویش در حله، بغداد، واسط و قدس - که روایت همگی ایشان به سید نقیب شرف الدین ابی طالب عبد الرحمن بن عبد السمیع واسطی می‌رسیده است - روایت می‌کند. حموی به چهار طریق به کتاب *خصائص* نطنزی دسترسی داشته و به طرق چهارگانه خود در *فرائد السمطین*، 52 روایت از نطنزی نقل کرده است که همه این روایات مسند است. روایات حموی با چهار واسطه به نطنزی می‌رسد و از آن به بعد نیز اسناد خود نطنزی ادامه پیدا می‌کند. روایات موجود از نطنزی در کتاب *فرائد السمطین* از آن جهت اهمیت دارد که می‌تواند گرایش‌های مذهبی وی را نیز نشان دهد؛ زیرا پنج دانشمند

55. *الدر النظیم*، ص 333.

56. همان، ص 562.

57. همان، ص 622.

58. *کشف الغمّة*، ج 1، ص 101.

پیشین - که از آنها یاد شد - بر خلاف حموی نویسنده *فرائد السمطين*، همه شیعه بوده‌اند و طبیعی است که در گزینش و حذف روایات نطنزی بر اساس عقیده خود عمل کرده‌اند.

روایات نقل شده در *فرائد السمطين* همه در مناقب امام علی و پنج تن است. از میان 52 روایت نقل شده، تنها دو روایت می‌تواند نشانگر گرایش سنی مؤلف باشد و پنجاه روایت دیگر، روایاتی شیعی است که برخی از آنها کاملاً همسو با عقاید شیعیان است. این روایات چنین است: روایتی که خلقت پیامبر و امام علی را از نور الهی و چهار هزار سال قبل از خلقت آدم می‌داند⁵⁹؛ حضور جبرئیل و میکائیل و هفتاد هزار ملک در شب زفاف فاطمه زهرا⁶⁰؛ روایتی که بنا بر آن، بر درهای متعدد بهشت رسالت پیامبر و ولایت امام علی نوشته شده است⁶¹؛ روایتی که پیامبر را خورشید، امام علی را ماه، فاطمه را زهره و فرقدان را حسن و حسین معرفی می‌کند.⁶²

دو روایتی که بخش‌هایی از آنها شامل تمجیدهایی از بزرگان صحابه و اهل سنت است، یکی مربوط به داستان مواخات است. در این روایت، رسول خدا از ابوبکر، عمر و عثمان تمجید می‌کند و عمر را کسی می‌داند که موجبات عزت اسلام را فراهم کرده است و عثمان فردی است که دارای شأنی در آسمان‌هاست و به ناحق کشته خواهد شد، عبد الرحمن بن عوف به امین خدا و کسی که به امانت در آسمان‌ها شناخته می‌شود، توصیف می‌شود. همچنین، طلحه و زبیر حواری رسول خدا دانسته می‌شوند و در مجموع، افراد یاد شده را اولین کسانی می‌داند که بر حوض پیامبر وارد خواهند شد. در پایان این روایت نیز امام علی وارث پیامبر - که کتاب خدا و سنت (نه خلافت) را از او به ارث می‌برد - معرفی می‌شود.⁶³ روایت دوم، روایتی است که عمر به توصیف امام علی می‌پردازد و می‌گوید سه ایراد امام علی موجب دوری قریش از وی شده است. این سه ایراد، یکی وجود دُعابه (= شوخی و سهل‌گیری در امور دنیوی)، دیگری کم سنی و سوم بغض قریش نسبت به امام است. ابن عباس - که مخاطب عمر در این روایت است - هر سه ایراد را پاسخ می‌دهد.⁶⁴ باقی روایات نطنزی در *فرائد السمطين*، روایاتی کاملاً همسو با عقاید شیعیان است.

با یافت شدن این دو روایت نطنزی در کتاب *فرائد السمطين* - که حاوی تمجیدهایی از صحابه است - می‌توان به این نتیجه رسید که وی به لحاظ مذهبی، از اهل سنت بوده، اما این گرایش وی به هیچ عنوان مانع نقل فضایل و کرامات امام علی و اهل بیت نبوده و آنچه او در باره اهل بیت نقل کرده، همان مناقب و فضایلی است که شیعیان نیز برای ائمه نقل می‌کنند. محتمل است کتاب نطنزی نیز همچون دیگر کتاب‌های اهل سنت - که در مناقب امام علی نوشته می‌شود - شامل موارد بیشتری از روایاتی بوده که فضایل امام علی و صحابه دیگر را هم زمان و آمیخته به یکدیگر نقل می‌کنند، بوده باشد که تنها موارد اندکی از آن به منابع بعدی - که گرایش‌های شیعی داشته‌اند - منتقل شده باشد.

59. *فرائد السمطين*، ج 1، ص 41.

60. همان، ج 1، ص 96.

61. همان، ج 1، ص 239.

62. همان، ج 2، ص 17.

63. همان، ج 1، ص 120.

64. همان، ج 1، ص 335.

منابع قرن هشتم به بعد، از این کتاب، به صورت مستقیم، مطالبی نقل نکرده‌اند و گویا این کتاب پس از این، مفقود شده است. نویسندگان این قرن و قرون بعدی، هر چند از نطنزی مطالبی را نقل کرده‌اند، اما این موارد به نقل از منابع دیگر بوده است. موارد چنین است:

- علامه حلی (م 726ق)، در *کشف الیقین فی فضایل امیر المؤمنین*، دو روایت از کتاب *خصائص* نقل کرده است؛ هر چند در متن چاپی، به اشتباه، کتاب *خصائص* از «طبری» دانسته شده که در واقع، تصحیف «نطنزی» است. با این که علامه حلی اجازه نقل از این کتاب را داشته و این اجازه را به بنو زهره نیز واگذار کرده است،⁶⁵ اما به نظر می‌رسد که خود وی به طور مستقیم، به کتاب دسترسی نداشته و دو روایت نقل شده در *کشف الیقین* را به واسطه *کشف الغمّة* اربلی نقل کرده است. این دو روایت یکی در باره این است که ملانکه هفت سال پیش از سایر مردم بر امام علی و پیامبر درود می‌فرستاده‌اند⁶⁶ و دومی در باره سخن رسول خداست که امام علی را فاروق امت و یعسوب مؤمنان دانسته است.⁶⁷ دو روایت نقل شده توسط علامه حلی در میان منابعی که پس از نطنزی از وی روایاتی را نقل کرده‌اند، تنها در *کشف الغمّة* اربلی به همان گونه و با همان تعبیر یافت می‌شود.⁶⁸

- ابن نما حلی (م 841ق) در *مثیر الأحرار*، دو روایت از نطنزی نقل کرده است. به نظر می‌رسد این روایات به واسطه کتاب *الدر النظیم* بوده است. شاهد بر مطلب، چنین است که شامی در *الدر النظیم*، پیش از نقل گزارشی در باره پخش شدن ندایی در مدینه - که خبر شهادت امام حسین را اعلام می‌کرد - اظهار می‌دارد که این مطلب را تنها نطنزی نقل کرده است (و من ذلك: ما انفرد به النطنزی فی کتاب *الخصائص*). ابن نما نیز در *مثیر الاحرار*، پیش از ارائه خلاصه همان مطلب، همچون شامی نوشته است: و مما انفرد به النطنزی فی کتاب *الخصائص*. هماهنگی در عبارات، نشان‌گر آن است که ابن نما مطالب را از *الدر النظیم* شامی برداشت کرده است.

برخی دانشمندان شیعی دیگر نیز تصریح کرده‌اند که موارد نقل شده از نطنزی در کتاب‌هایشان به واسطه منابع دیگر بوده است. بیاضی (م 877ق)، در *صراط المستقیم* کتاب *خصائص* نطنزی را از جمله کتاب‌هایی می‌داند که به طور مستقیم، بدان دسترسی نداشته و به واسطه کتاب‌های دیگر، حدود ده روایت از آن نقل کرده است.⁶⁹ همچنین حر عاملی (م 1104ق)، در *اثبات الهداة* این کتاب را از جمله کتاب‌هایی که هنگام تدوین کتاب خویش بدان دسترسی نداشته و به واسطه منابع دیگر از آن نقل کرده، نام می‌برد؛⁷⁰ چنان که مجلسی (م 1111ق)، روایاتی که از نطنزی نقل کرده، به واسطه منابع دیگر، مانند *المناقب* ابن شهر آشوب است.

65. *بحار الأنوار*، ج 104، ص 132.

66. *کشف الیقین*، ص 25.

67. همان، ص 36.

68. *کشف الغمّة*، ج 1، ص 97 و 103.

69. *صراط المستقیم*، ج 1، ص 6.

70. *اثبات الهداة*، ج 1، ص 58.

نکته درخور توجه این است که منابع اهل سنت (غیر از کتاب *فرائد السمطين* که دیدگاه‌هایش نزدیک به شیعیان است)، هیچ روایتی را از *حصائیس نطنزی* نقل نکرده‌اند. این که صفدی گفته نطنزی بهره‌ای از روایات خویش نبرده، شاید اشاره به همین موضوع باشد که از روایات وی استقبالی در میان اهل سنت نشده است. سمعانی - که شاگرد نطنزی بوده - در کتاب *ادب الاملاء و الاستملاء*، دو مطلب از وی نقل می‌کند که هر دو مطلب نقل شعری از نطنزی است^{۷۱} و این موارد از کتاب *حصائیس* نیست.

نتیجه

نتایجی که با مرور بر موارد بر جای مانده از نطنزی می‌توان بدان دست یافت، بدین شرح است:

اول، این که بر اساس مواردی که از نطنزی در منابع شیعی نقل شده، نمی‌توان به گرایش واقعی وی دست یافت؛ زیرا که منابع شیعی بر اساس عقاید خویش و با گزینش، روایات وی را نقل کرده‌اند؛ چنان که حموی، نویسنده *فرائد السمطين* - که تمایلات سنی دارد - مواردی را از وی نقل کرده است که شامل تمجید از بزرگان اهل سنت است. دوم، این که نویسندگان اهل سنت در نقل فضایل برای امام علی و اهل بیت، هیچ منعی در برابر خود نمی‌دیدند، بویژه گاه فضایی را در باب ولایت امام علی نقل کرده‌اند که بیانگر جانشینی به حق وی بر رسول خداست؛ اما با بررسی کتاب‌های مشابه *حصائیس نطنزی* - که به شکل اصلی خود باقی مانده‌اند؛ مانند *المناقب* امام علی خوارزمی - می‌توان به این مسأله پی برد که این گونه نگارش‌ها در جای خود، مناقب دیگر صحابه را نیز نقل می‌کنند و یا در تفسیر فضایل نقل شده برای اهل بیت به گونه‌ای عمل می‌کنند که آنچه مراد شیعیان است، حاصل نمی‌شود.

سوم، این که گاهی برخی نویسندگان اهل سنت - که فضایل اهل بیت را به صورت مستوفی نقل کرده و برای ایشان اهمیت و جایگاه ویژه‌ای تعریف کرده‌اند - متهم به گرایش‌های شیعی شده‌اند. نویسندگان تندرو اهل سنت برای مقابله با این نویسندگان و کتاب‌هایشان، بدان ارجاع نمی‌دهند تا از رده خارج گردند؛ چنان که فراموش شدن کتاب نطنزی و عدم ارجاع به آن، در میان منابع بعدی اهل سنت، می‌تواند ناشی از همین دیدگاه بوده باشد.

چهارم، این که خاستگاه نطنزی، هر چند شهر اصفهان بوده - که به گرایش سنی و حتی ناصبی‌گری شهرت داشته است - اما این گرایش به مرور تضعیف شده، به گونه‌ای که نطنزی در قرن ششم توانسته در آن شهر چنین کتابی تدوین کند که دیدگاه‌های مطرح شده در آن، نزدیک به دیدگاه شیعیان در باره اهل بیت است.

کتابنامه

- *اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات*، محمد بن حسن الحر العاملی (م) 1104ق)، بیروت: مؤسسة الاعلمی، 1425ق.

- *أدب الاملاء و الاستملاء*، عبد الکریم بن محمد سمعانی (م 562ق)، تحقیق: سعید محمد اللحام، بیروت: دار و مكتبة هلال، 1409ق.
- *الأنساب*، عبد الکریم بن محمد السمعانی (م 562ق)، تحقیق: عبد الله عمر البارودی، بیروت: دار الکتب العلمیه، 1408ق.
- *إيضاح المكنون*، اسماعیل باشا البغدادی (م 1339ق)، تصحیح: محمد شرف الدین یالتقایا، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- *اهل البيت في المكتبة العربية*، عبد العزیز الطباطبائی (م 1416ق)، قم: مؤسسه آل البيت، 1417ق.
- *بحار الأنوار*، محمد باقر المجلسی (م 1111ق)، بیروت: مؤسسه الوفاء، 1403ق.
- *بغية الطلب في تاريخ حلب*، صفه ابن العدیم صاحب کمال الدین عمر بن احمد، تحقیق: سهیل زکار، بیروت: دار الفکر، بی تا.
- *تاریخ الاسلام*، شمس الدین الذهبی (م 748ق)، تحقیق: عمر عبد السلام تدمری، بیروت: دار الکتب العربی، 1417ق.
- *تذكرة الحفاظ*، محمد بن احمد ذهبی (م 748ق)، تحقیق: زکریا عمیرات، بیروت: دار الکتب العلمیه، 1419ق.
- *خريدة القصر و جريدة العصر*، عماد الدین الکاتب (م 597ق)، تحقیق: عدنان محمد آل طعمه، تهران: نشر میراث مکتوب، 1377ق.
- *خلاصة الأقوال*، علامه حلّی (م 726ق)، تحقیق: جواد القیومی، مؤسسه نشر الفقاهة، 1417ق.
- *الدر النظیم في مناقب الائمة الهامیم*، جمال الدین یوسف بن حاتم الشامی، قم: جامعه مدرسین، 1420ق.
- *الذريعة إلى تصانيف الشيعة*، آقا بزرگ تهرانی، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، بی تا.
- *رجال ابن داوود*، ابن داوود حلّی (م 740ق)، تحقیق: سید محمد صادق آل بحر العلوم، قم: منشورات رضی، 1392ق.
- *سير أعلام النبلاء*، شمس الدین محمد ذهبی (م 748ق)، تحقیق: شعیب الارناووط، بیروت: مؤسسه الرسالة، 1414ق.
- *صراط المستقیم إلى مستحقى التقديم*، علی بن یونس البیاضی (م 877ق)، تحقیق: محمد باقر البهبودی، مکتبه المرتضویه، 1384ش.
- *فرائد السمطين*، ابراهیم بن سعد الدین شافعی (م 730 ق)، بیروت: مؤسسه المحمودی، 1400ق.
- *كتاب الوافي بالوفيات*، صلاح الدین خلیل بن ایبک صفدی، باعثناء: دیدرینغ، دار النشر فرانز شتاينز بقیسبادان، 1974م.
- *كشف الغمة*، علی بن عیسی اربلی (م. 692)، تحقیق: سید احمد الحسینی، قم، منشورات شریف رضی، 1421ق.
- *كشف اليقين في فضائل امير المؤمنين*، حسن بن یوسف بن مطهر الحلّی (م 726ق)، تحقیق: حسین درگاهی، تهران: مؤسسه الطبع و النشر، 1411ق.
- *متشابه القرآن و مختلفه*، ابن شهر آشوب (م 588ق)، قم: انتشارات بیدار، بی تا.
- *مئیر الأحزان*، ابن نما حلّی، قم: مدرسه امام هادی، 1406ق.

- *مجمع الآداب فی معجم الألقاب*، عبد الرزاق احمد المعروف بابن الفوطی الشیبانی (م 723ق)، تحقیق: محمد کاظم، تهران: مؤسسة الطباعة و النشر، 1416ق.
- *معالم العلماء*، محمد بن علی بن شهر آشوب (م 588ق)، تحقیق: محمد صادق آل بحر العلوم، بیروت: دار الاضواء، بی تا.
- *معجم الادباء*، شهاب الدین ابو عبد الله یاقوت بن عبد الله الحموی (م 626ق)، بیروت: دار الغرب الاسلامی، 1414ق.
- *معجم البلدان*، شهاب الدین ابو عبد الله یاقوت بن عبد الله الحموی (م 626ق)، بیروت: دار صادر، 1995م.
- *مناقب آل ابی طالب*، ابن شهر آشوب، قم: انتشارات علامه، 1379ش.
- *مهج الدعوات*، علی بن طاووس (م 664ق)، قم: دار الذخائر، 1411ق.
- *نزمة الکرام و بستان العوام*، محمد بن حسین رازی (م 658ق)، تهران: کتابخانه مرکزی و ادبیات دانشگاه تهران، بی تا.
- *الیقین باختصاص مولانا علی بامرة المؤمنین*، علی بن طاووس (م 664ق)، تحقیق: انصاری، قم: دار الكتاب الجزائری، 1413ق.

پیوست یک. در مجموع، موارد بر جای مانده از نطنزی به صورت غیر تکراری در کتاب‌های بعدی 111 مورد است. این موارد به شرح زیر است:

ردیف	موضوع	منبع	ردیف	موضوع	منبع
1	خلق نور پیامبر و علی	فراند، 41/1	32	غدير خم	النظيم، 781
2	توسل آدم به پنج تن	يقين، 174	33	حديث طبر	مناقب، 282/2
3	پنج تن در زير عرش	فراند، 49/1	34	مهربانی با فاطمه بنت اسد	فراند، 378/1
4	ولایت علی بر در بهشت	نزهه- فراند، 238/1	35	سلام ملانک بر علی روز بدر	مناقب، 241/2
5	سؤال از ولایت علی	مناقب، 151/2	36	لافتی الا علی	فراند، 257/1
6	اعراض بی دینان از ولایت	فراند، 300/2	37	پایداری علی روز احد	مناقب، 117/2
7	منزل امام علی در بهشت	فراند، 103/1	38	علی در روز خیبر	مناقب، 127/3
8	امام علی حلقه در بهشت	مناقب- فراند، 161/2	39	حفاظت از سرما و گرما	فراند، 264/1
9	یاد از علی در اسرا	فراند، 237/1	40	حق امام علی بر امت	فراند، 297/1
10	اولین مسلمان	مناقب، 6/2	41	آگاهی از نزول آیات	فراند، 200/1
11	پذیرش اسلام هفت سال قبل از مردم	کشف، 97/1	42	عنده علم الکتاب	مناقب، 29/2
12	نماز سه نفری	کشف، 101/1	43	آگاهی از زمان مرگ	فراند، 390/1
13	بعثت 2شنبه اسلام علی سه شنبه	مناقب- کشف، 103/1	44	افتخار پیامبر به علی	فراند، 232/1
14	فاروق امت یعسوب مومنان	کشف، 103/1	45	دادن سنگ ریزه به پیامبر	فراند، 233/1
15	آیه صالح المومنین	فراند، 363/1	46	بخشش در حال رکوع 1	مناقب- فراند، 193/1
16	آیه وعد حسن	فراند، 364/1	47	بخشش در حال رکوع 2	فراند، 194/1
17	آیه والذی جاء بالصدق	النظیم، 280	48	انفاق مال	مناقب، 71/2
18	آیه وارکعوا مع الراجعین	مناقب- کشف، 103/1	49	عمامه رسول خدا بر سر علی	فراند، 76/1
19	آیه مرج البحرين	مناقب، 318/3	50	حضور ملانک در ازدواج علی	فراند، 96/1
20	آیه ود	مناقب، 93/3	51	حب علی عنوان صحیفه مومن	مناقب، 151/2
21	آیه نازله در بدر	مناقب، 119/3	52	سفارش به محبت علی 1	فراند، 132/1
22	آیه بینه	مناقب، 85/3	53	سفارش به محبت علی 2	فراند، 134/1
23	آیه تعیها اذن واعیه	مناقب، 78/3	54	بغض منافق بر علی	فراند، 133/1
24	آیه وزارت	مناقب، 57/3	55	اذیت علی اذیت رسول الله	مناقب، 211/3
25	آیه اکمال دین	مناقب، 23/3	56	زوال عنایت پیامبر از مخالف علی	فراند- نظیم، 328
26	آیه جاء بالصدق	مناقب، 92/3	57	حق با علی	فراند، 177/1
27	آیه و رفنعه مکانا علیا	مناقب، 135/2	58	سفارش به عمارت پیروی از علی	فراند، 178/1
28	شمول آیات با ایها الذین آمنوا	يقين، 462	59	پیروی علی پیروی از پیامبر	فراند، 179/1
29	حديث منزلت	مناقب- فراند، 123/1	60	سلام به امارت بر علی	يقين، 177
30	حديث مواخات	مناقب- فراند، 119/1	61	علی امام المتقين 1	يقين، 469
31	رد شمس	مناقب، 316/2	62	علی امام المتقين 2	يقين، 470
63	علی امام المتقين 3	يقين، 471	88	لولا علی لهلك عمر	فراند، 337/1

64	علی وصی و خلیفه پیامبر	یقین، 494	89	مبارزهجویی بامعاویه درصفین	فراند، 376/1
65	قضای دین پیامبر به دست علی	فراند، 60/1	90	عدم رضایت واگذاری شام	فراند، 380/1
66	خیر الوصیین	یقین، 178	91	توصیف امام علی نزد معاویه	فراند، 374/1
67	انتقام به دست علی	مناقب، 219/3	92	نظر حسن بصری در باره امام	فراند، 381/1
68	نام امام علی در دیوان انبیا	مناقب، 265/3	93	عمر بن عبدالعزیز و ولایت امام	فراند، 66/1
69	انهدام دو رکن علی	مناقب، 361/3	94	خطبه حسن پس از شهادت پدر	فراند، 234/1
70	شاهنشاه عرب	مناقب، 113/3	95	روشنی راه برای مسیر حسنین	مناقب، 390/3
71	سید عرب	مناقب، 13/3	96	تزیین بهشت به حسنین	مناقب، 395/3
72	همراهی بابیامیر تا آخرین لحظه	مناقب، 351/2	97	تعویذ حسنین	مناقب - نظم، 392/3
73	سب علی مساوی سب پیامبر	فراند، 302/1	98	احترام ابن عباس به حسنین	فراند، 72/2
74	سزای سب امام علی	مناقب - فراند، 304/1	99	حوادث ناگوار پس از شهادت حسین	النظم، 566
75	یافتن آب در صفین باعای امام	مناقب، 292/2	100	کرامات سر امام حسین	مناقب - نظم، 562
76	زن سلفاقیه	مناقب، 267/2	101	نوشته شدن بردیوار باقلم آهنین	النظم، مثیر، 95
77	امام علی و مبارزه با ابلیس	مناقب، 249/2	102	سر ابن زیاد	مناقب، 61/4
78	حسن ایمان علی توسط جبرئیل	مناقب - نظم، 328	103	بی احترامی به مرقد حسین	مناقب، 64/4
79	امام علی و نامگذاری فرزندان	مناقب، 227/2	104	آیه مباحله	فراند، 23/2
80	منزل رسول خدا و منزل علی	مناقب - فراند، 103/1	105	تحریم آتش بر فرزندان فاطمه	فراند، 64/2
81	امام علی و ولید بن عقبه	مناقب، 10/2	106	انتساب ذریه فاطمه به پیامبر	فراند، 77/2
82	هفت ویژگی امام علی	مناقب - نظم، 283	107	سفارش به محبت آل	فراند، 294/2
83	سه ویژگی امام علی	کشف، 103/1	108	حسنه همان حب اهل بیت	فراند، 299/2
84	سه ویژگی دیگر	فراند، 207/1	109	بهشتی بودن اهل بیت و ذریه	فراند، 295/2
85	تشبیه علی به ماه	مناقب، فراند، نظم، 791	110	قصدمنصوربرای قتل صادق	مهیج - نظم، 622
86	توصیف عمر از امام علی	فراند، 334/1	111	احضار صادق توسط منصور	النظم، 622
87	عمر و امام علی	مناقب، 211/3			